

## مانیفست ایران باوری

شخصیت مجید کسرائی در فیلم «مکس» با بازی فرهاد آئیش تأویل پذیری بسیار بالایی از جنبه‌های مختلف دارد. سلوک و وطن باورانه او و غنچ رفتن دلش برای همه آن چه به ایران ارتباط دارد باعث شده تا او از جمله شخصیت‌هایی باشد که پیوندی تنگاتنگ با نوستالژی می‌یابد.

او به مثابه فردی ساده‌اندیش، مهربان و صلح‌جو است که جهان را با عینکی سفید دید می‌زند و قدرت تعامل بالایی در ایجاد ارتباط با همگان دارد. همین توضیح کوتاه را اگر در کنار دوران ساخت فیلم «مکس» در دهه ۸۰ قرار دهیم و درون مایه اصلی فیلم یعنی بازگشت سرمایه‌ها و نیروهای نخبه به کشور را یک رؤیای باوری زیبا برای آینده بهتر ایران بدانیم بهتر با شخصیت مکس و آن چه در کنسرت خود بیان می‌کند ارتباط برقرار می‌کنیم. بیانیته باشکوه مکس و دعوت همگانی به مدار او وحدت چنان در فضای دو قطبی آن روزها جذاب به نظر می‌رسید که به سبب همان تشویق‌ها و شور و نشاطی که در سالن کنسرت برپا بود این امید را ایجاد می‌کرد که شاید قرار است به دورانی جدید از زیست مصالحه‌جویانه پای بگذاریم؛ امیدی که شاید هنوز هم تا حدودی جاری باشد.



می‌آید. یعنی آقا فرج بوسلیکی را به لحاظ شمایی که دارد می‌توان تکمیل‌کننده روایت‌های کارگردان شاعر سینمای ایران از هنرمندان عهد قاجار دانست. اضلاع این مربع را محمد غفاری نقاش شهیر ایرانی در فیلم «کمال الملک»، رضا خوشنویس در مجموعه «هزار دستان»، طاهر و آقا فرج در «دلشدگان» شکل می‌دهند بی آن که وجه اشتراک ملموسی در آن‌ها دیده شود.

شاید تنها وجه اشتراک این نقش‌ها را باید در شیدایی و عشق آنها به هنر ذاتی شان دانست. یعنی همان‌گونه که طاهر شیفته نیت‌ها و ترانه‌ها، محمد غفاری (کمال الملک) شیفته قلم مو و رضا خوشنویس شیفته قلمش است، آقا فرج نیز با لمس تنبک و شنیدن ضرب موسیقی آن از خود بی خود شده و رابطه‌ای شیداگون و مجنونانه با موسیقی برقرار می‌کند. همین عشق جنون‌وار به تنبک است که سبب می‌شود تا منزلت اجتماعی کاراکتر آقا فرج از تفتاب یابد و از یک شاگرد چلوبی ساده به همراهی با جمعی شیدا و هنرمندانی فرهیخته برسد. به واقع این تغییر منزلت اجتماعی اگر چه تلاش‌های آقا فرج را برای ایجاد دگرگونی‌هایی در سبک رفتاری و گفتاری‌اش به دنبال دارد اما در نهایت، همان سادگی ملموس و صداقت بکر این شخصیت است که فرای همه کوشش‌های او برای نمایش اصالتی همسان با دیگر افراد گروه که همگی منتسب به طبقه اعیان و اشراف هستند به چشم می‌آید. سیمای آقا فرج بوسلیکی باز تابنده این نکته است که در نهایت جوهره وجودی هر فرد و تلاش و کوشش اوست که مسیر پیش روی او را هموار می‌کند.

در یک جمع بندی کوتاه، آقا فرج شاگرد چلوبی ساده‌ای است که از لمس ظروف مسی برای شست و شو به جایگاهی می‌رسد که هنگام تنبک‌نوازی با عیسی خان وزیر از او جلو می‌زند و با مهارت بالادر نواختن تنبک به جمع اعیان دلشده حاتمی می‌پیوندد؛ اعیان و اشرافی که جوهره وجودشان را بانوای ملامب موسیقی صیقل داده‌اند و پذیرای سادگی، لطافت و صداقت آقا فرج هستند.

اکبر عبدی در نقش آقا فرج درخشش ویژه‌ای دارد. او به خوبی نقش را درک کرده و روند تغییر شمایل او را بی‌کم و کاست در بازی‌اش قابل باور می‌کند. به واقع اکبر عبدی در این نقش متوجه این نکته بوده که خاستگاه اجتماعی آقا فرج کجاست و اگر به دلیل کشف استعداد او در تنبک‌نوازی، فرصتی دست داده تا در جمع بزرگان راه یابد اما همچنان تصویری که از آقا فرج نمایش می‌دهد در عین تلاش برای نمایش تشخص و کلاسی از جنس آن گروه دلشده، به پایگاه اجتماعی و هویت فردی آقا فرج نزدیک است. این بازی یکی از مهم‌ترین شناسه‌ها برای درک کلاس بالای بازیگری اکبر عبدی در سینمای ایران است.

## شیدای مجنون موسیقی



فیلم «دلشدگان» آرکستری باشکوه از شخصیت‌های مرتبط با موسیقی را به مخاطبان نشان می‌دهد. همه این شخصیت‌ها اصالت و وقاری دارند که یکسره به پیشینه خانوادگی و انتساب آن‌ها به اعیان و اشراف برمی‌گردد. در این میان شخصیت آقا فرج بوسلیکی شمایی متفاوت از دیگر اعضای گروه دارد. او منتسب به خانواده‌ای عامی است که اشتغال به موسیقی را کاری خلاف می‌دانند. اما آقا فرج چون خانواده‌اش نمی‌اندیشد و با پشتکاری ویژه برای ارتقای جایگاه اجتماعی‌اش می‌جنگد و به آن می‌رسد. از این منظر، ضرب‌المثل معروف «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود / مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد» اشاره‌ای به جا و درست به نقش استعداد فردی و تلاش در رشد منزلت اجتماعی افراد دارد.

در تحلیل مجموعه نقش‌هایی از سینما و تلویزیون که می‌توان رویکردی آموزشی را در آن‌ها جست‌وجو کرد بی‌شک کاراکتر آقا فرج بوسلیکی در فیلم «دلشدگان» ساخته زنده یاد علی حاتمی می‌تواند بازتابنده وجهی تعلیمی از مفهوم خلاقیت و تلاش و تأثیرشان بر رشد منزلت اجتماعی فرد باشد.

این کاراکتر ساعی و پر تلاش و ارزنده که به سبب روایت‌های مرسوم سینمایی در دهه ۶۰ و ۷۰ متعلق به طبقات پایین جامعه است در نظام ارزشی و مفهومی سینمای ارائه شده از سوی زنده یاد علی حاتمی به مثابه ضلع چهارم از شمایل هنرمند ایرانی به چشم